

فصلنامه علمی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال دوازدهم، شماره بیست و شش، بهار ۱۴۰۰، صفحات ۴۵-۶۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۹/۲۹

جایگاه عتبات عالیات در معاهدات ایران و عثمانی: از آماسیه تا کردان

حمیده تقی‌زاده سیس^۱

محمد تقی امامی خوبی^۲

محمد کلهر^۳

چکیده

یکی از پیامدهای بروز جنگ‌های طولانی میان ایران و خلافت عثمانی انعقاد معاهدات و مصالحه‌نامه‌های متعدد بود. ما در اینجا به بررسی شش قرارداد صلح که در آن‌ها به صراحت یا به‌طور غیرمستقیم (بیشتر قراردادهایی که بعد از آماسیه منعقد شدند بر پایه این قرارداد بودند که در آن با صراحت به موضوع عتبات می‌پردازد) به مسئله عتبات و امنیت زوار ایرانی توجه شده است، پرداخته‌ایم. مسئله اساسی تحقیق حاضر بررسی نقش و تأثیر عتبات عالیات و اماکن مقدسه، بر گسترش و نفوذ تشیع در عثمانی است و این که در کدام یک از قراردادهای میان دو کشور بندهایی به موضوع زوار ایرانی عتبات اختصاص یافته است و طرفین چه تعهداتی را بر عهده گرفته‌اند؟ تحقیق حاضر نمایانگر این مسئله است که ایجاد امنیت زوار ایرانی عتبات عالیات و حفظ حرمت آن‌ها از اصول الزام‌آور معاهدات بوده است. عثمانی‌ها نیز متقابلاً خواهان خودداری شیعیان ایران از لعن خلفاء سه‌انه و عایشه همسر پیامبر بوده‌اند.

واژگان کلیدی: آماسیه، عتبات عالیات، معاهدات، کردان، قزلباش.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران. hamideh4750@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد یادگار امام خمینی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

dr_mohammadtaghiemamikhoei@yahoo.com

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد یادگار امام خمینی، تهران، ایران. kalhor.mohammad72@gmail.com

The Status of the Holy Shrines in the Treaties of Iran and the Ottoman Empire: from Amasya to Kordan

Hamideh Taghizadeh Sis¹

Mohammad Taghi Emami Khoei²

Mohammad Kalhor³

Abstract

One of the consequences of the long wars between Iran and the Ottoman Caliphate was the conclusion of numerous treaties and compromises. Most of the concluded contracts were based on Amasya agreement, in which it explicitly addresses the issue of holy shrines. Here, we examine six peace treaties in which the issue of holy shrines and the security of pilgrims are addressed. The main issue of the present study is to investigate the role and impact of the holy shrines and holy places on the spread and influence of Shiism in the Ottoman Empire. We also examine which of the agreements between the two countries have clauses dedicated to the Iranian pilgrims to the holy shrines and what obligations have the parties undertaken? The present study shows that creating security for Iranian pilgrims to the holy shrines and maintaining their sanctity has been one of the binding principles of the treaties. The Ottomans also reciprocally demanded that the Iranian Shiites refrain from cursing the three caliphs and Aisha, the wife of the Prophet (PBUH).

Keywords: Amasya, Holy Shrines, Treaties, Kordan, Ghezelbash.

-
1. PhD student in History, Islamic Azad University of Tehran, Research Sciences Branch, Tehran, Iran
hamideh4750@gmail.com
 2. Associate Professor, Islamic Azad University of Tehran, Imam Khomeini Memorial Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)
dr_mohammadtaghiemamikhoei@yahoo.com
 3. Assistant Professor, Islamic Azad University of Tehran, Imam Khomeini Memorial Branch, Tehran, Iran
kalhor.mohammad72@gmail.com

مقدمه

قرار گرفتن مقابر شش تن از پیشوایان دینی مورد احترام شیعیان در عراق - سرزمین به شدت مورد مناقشه دو حکومت - که زیارت آن‌ها برای شیعه یک فریضه بود و رفت‌وآمد مداوم و پر شمار ایرانی‌ها به عتبات، همواره موجب بروز اختلافات گوناگون میان دو کشور می‌شد که گاهی منجر به جنگ‌های خونین بر سر تصاحب این مناطق می‌شد تا آنجا که تصرف عتبات عالیات به عامل بسیار مهمی برای رقابت میان صفویان و عثمانی‌ها تبدیل شده و جنبه حیثیتی برای دو طرف به خصوص ایرانی‌ها، پیدا کرده بود. آنچه موجب تشدید این اختلافات می‌شد از جانب عثمانی‌ها بدرفتاری با زوار ایرانی، اخذ مالیات‌های غیرقانونی، و از جانب ایرانی‌ها ظاهراً اصرار آن‌ها بر تبری بود.

در این مقاله سعی شده است به روابط پرتنش میان این دو حکومت مسلمان قدرتمند پرداخته شود و با مطالعه دقیق بندهای مورد توافق صلح نامه‌های انعقادی میان دو کشور، به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که عتبات عالیات - به عنوان عامل مؤثر نفوذ بیش از پیش تشیع در عثمانی - در این معاهدات چه جایگاهی داشته‌اند؟

در مورد پیشینه تحقیق حاضر لازم به اشاره است که در عمده تحقیقات، بیشتر به مسئله حج و حجاج ایرانی توجه شده است و در کنار آن، عتبات و مسائل مربوط به آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند، چراکه حج و زیارت عتبات در این دوره به شدت به هم آمیخته بودند. مانند کتاب *حجاج ایرانی در دولت عثمانی (قرون سیزده و چهارده هجری قمری)* تألیف اسرا دوغان که بیشتر به مشکلات حاجیان می‌پردازد و نیز کتاب آقای نصرالله صالحی و بهروز مستان، تحت عنوان *تاریخ روابط ایران و عثمانی* که به شکل منحصربه‌فردی ۱۵ مقاله از آثار اندیشمندان ترک را جمع‌آوری کرده است که می‌توان در آن‌ها با نوع نگاه و قرائت خاص ترک‌ها نسبت به روابط میان دو کشور آشنا شد. در ضمن این‌که در دو مقاله از آن می‌توان اطلاعاتی را مرتبط با موضوع این پژوهش پیدا کرد. همچنین کتاب رسول عربخانی با عنوان *عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی قرن نوزدهم* که در بخش دوم آن به پیشینه منازعات این دو کشور بر سر عراق و بالطبع قضیه عتبات پرداخته است. البته آثار مورخان ترک را که جزو منابع اولیه تحقیق پیرامون روابط ایران و عثمانی محسوب می‌شوند

به هیچ وجه نمی‌توان نادیده گرفت. مانند تاریخ پچوی، تألیف ابراهیم افندی پچوی پیرامون تاریخ عثمانی، که وقایع سال‌های ۱۰۴۹-۹۲۶ ق/۱۶۴۰-۱۵۲۰ م، را در بر می‌گیرد. این اثر به‌ویژه از لحاظ اطلاعاتی که پیرامون روابط ایران و عثمانی در دوره صفویه (از طهماسب اول تا روزگار شاه‌صفی) ارائه می‌دهد حائز اهمیت است و نیز منشآت/السلطین در دو جلد که توسط فریدون بیگ تألیف شده است و در آن ۱۸۸۰ سند تاریخی موجود است که از نامه پیامبر به قیصر روم آغاز شده تا مکاتبات سلطان مراد سوم را شامل می‌شود.

نوآوری تحقیق در این است که تا آنجا که نویسنده می‌داند در مورد جایگاه عتبات در معاهدات و قراردادهای میان ایران و عثمانی تحقیق مستقلی صورت نگرفته است بیشتر تحقیقات پیرامون حج بوده است که در ضمن آن‌ها به عتبات نیز اشاره شده است.

هدف از این تحقیق، پاسخ به این سؤالات است که مسئله زیارت و زائران عتبات تا چه اندازه در روابط میان دو کشور تأثیرگذار بوده است؟ در کدام‌یک از قراردادهای به مسئله زائران ایرانی عتبات عالیات پرداخته شده است؟ و این که دولت‌های ایران و عثمانی چه تعهداتی را در این مورد در قراردادهای فی‌مابین عهده‌دار شده‌اند؟ روش تحقیق در این مقاله، تاریخی (استقرائی)، شیوه نگارش، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری مطالب، اسنادی و کتابخانه‌ای است.

جایگاه عتبات در روابط ایران و عثمانی

در دوره صفوی اولین توجهات نسبت به عتبات را از جانب شاه‌اسماعیل شاهد هستیم او پس از فتح عراق عرب و تصرف بغداد به زیارت کربلا رفته به شب‌زنده‌داری در حرم و حتی شرکت در مراسم غبارروبی ضریح پرداخت (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۰۰-۳۰۱). برای زیارت نجف در چند فرسخی حرم پیاده شده با پای پیاده و سر برهنه پرچم علی به دست به زیارت رفت (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۱۶۶-۱۶۷) او همچنین به زیارت کاظمین و امام موسی کاظم نائل شد که با توجه به اصرار این سلسله بر سیادتشان از اهمیت خاصی برخوردار بود. در تمام دوره صفوی همواره امرا و سرکردگان نظامی وقتی موفق به فتح عراق یا شهرهای عتبات عالیات می‌شدند به زیارت این اماکن رفته به شرف خاک‌بوسی مشرف و مراسم دعا و عرض نیاز نسبت به ائمه معصومین به‌جا می‌آوردند (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۲۲۴).

دو کشور ایران و عثمانی سالیان دراز در همسایگی یکدیگر با داشتن اشتراکات فرهنگی و روابط تجاری، صمیمانه زمانی تحت یک حاکمیت روزگار می‌گذراندند. زبان شعر و ادب فارسی در دربار عثمانی در میان سلاطین، حکام و شاهزادگان از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار بود لذا سبب روی آوردن عده‌ای از شعرای ایرانی به دربار عثمانی می‌شد. سلطان محمد فاتح و فرزندش بایزید دوم با دانشمندان ایرانی نظیر عبدالرحمان جامی و ملا جلال‌الدین دوانی مکاتبه داشتند (نوایی، ۱۳۵۶: ۴۳۳).

با این‌که شاه‌اسماعیل تلاش زیادی در جهت تبلیغ و گسترش نگرش صوفی شیعه‌گرایانه خود در منطقه آناتولی داشت و سودای پیش روی در مرزهای غربی با هدف نزدیکی به کانون قزلباش‌ها که در سراسر منطقه آناتولی از ارزروم به بعد ساکن بودند را در سر می‌پروراند اما در اوایل حکومت او همچنان روابط فی‌مابین دوستانه بود. تبریک تصرف خراسان به شاه‌اسماعیل، توسط سلطان عثمانی علی‌رغم اقدام تلافی‌جویانه او در فرستادن پوست سر شیبیک‌خان برای سلطان عثمانی، هیچ جنگی میان دو کشور اتفاق نیفتاد (ترکمان، ۱۳۷۷: ۶۶). سیاست ملایم بایزید دوم و حمایت از صوفیان زمینه‌های قدرت‌گیری قزلباشان را در داخل آناتولی فراهم نمود؛ اما قزلباش شدن مراد، - فرزند شاهزاده احمد برادر سلطان سلیم و خواندن خطبه به نام شاه‌اسماعیل توسط او - تبلیغات صوفیان و فراهم آوردن زمینه‌های مهاجرت گروه‌های قزلباش نواحی سیواس توقات و آماسیه به ایران از طرف شاه‌اسماعیل و بالاخره سوءقصد به جان بایزید دوم توسط درویش بزرگ، سبب احساس خطر از جانب آنان برای عثمانی‌ها گردید (Kütukoğlu, 1993: 3).

برای همین سپاه عثمانی به‌ویژه ینی‌چری‌ها را به فکر روی کار آوردن شاهزاده جوان جنگجویی انداخت تا بتواند آنان را به فتوح و کشورهای جدید رهنمون شود لذا شاهزاده سلیم پس از برکناری پدرش بایزید دوم با حمایت ینی‌چری‌ها قدرت را به دست گرفت (افندی، ۱۲۸۰: ۱۸۹). سلاطین عثمانی پیش از سلیم سیاست کشورگشایانه خود را در غرب دنبال می‌کردند و کمتر به شرق توجه داشتند که دلیل آن را می‌توان در اتحاد دولت‌های اروپایی و تهدید جدی حاکمیت عثمانی و همچنین تأمین خواست جنگجویان عثمانی در حمله به غرب دانست. سلیم نخستین سلطان عثمانی است که سیاست توجه به شرق را در

اولویت برنامه‌های سیاسی و نظامی خود قرار داد (منجم‌پاشی، ۱۳۸۵: ۴۴۸). او ابتدا سفیری برای اعلام خبر فوت پدرش بایزید دوم و اعاده برادرزاده‌اش مراد نزد شاه‌اسماعیل فرستاد (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۵۱۱) چون با مخالفت او مواجه شد با گرفتن فتوا از مفتیان، مبتنی بر کفر گویی علمای شیعه و «قزلباش بد معاش» نسبت به خلیفه اول و عایشه همسر پیغمبر اسلام، تصمیم گرفت به ایران حمله کند (بدلیسی، ۱۹۹۵: ۸۷، به نقل از مجربی، ۱۳۹۶: ۱۶۶ - ۱۶۵). سلیم قبل از حرکت به ایران با کشورهای اروپایی و شاهزادگان بالکان صلح نمود. ازبکان را در شرق ایران برای حمله به قلمرو صفویان تشویق، دستور شناسایی علویان طرفدار صفوی و قتل آن‌ها در آناتولی را صادر کرده، چهار نامه به زبان‌های فارسی و ترکی برای شاه‌اسماعیل فرستاد. شاه‌اسماعیل تنها به ارسال یک نامه به زبان فارسی بسنده کرد که منجر به نبرد چالدران در سال ۱۹۱۴م/۹۲۰ق، شکست سنگین او و ورود سلیم به تبریز پایتخت صفویان شد اما سلطان عثمانی بعد از هشت روز اقامت در تبریز و جمع‌آوری هفتصد خانوار از هنرمندان و صنعتگران و فرستادن آن‌ها به استانبول ایران را ترک کرد (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۵۴۸؛ قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹: ۱۲۹). در نتیجه این شکست، ایران دیار بکر و بخش‌هایی از کردستان را از دست داد. استراتژیک‌ترین این مناطق قلعه کماخ بود که در واقع دروازه فتح آناتولی محسوب می‌شد (روملو، ۱۳۸۴: ۲۱). آناتولی به‌واسطه حضور شیعیان مرید شیخ صفی‌الدین اردبیلی و به طبع نفوذ معنوی صفویان، در واقع حیاط‌خلوت امپراتوری صفوی در قلمرو همسایه قدرتمند خود محسوب می‌شد لذا هر دو کشور سعی در تسلط بر این منطقه داشتند.

بعد از این شکست روابط میان دو کشور کاملاً دگرگون شد و ایران از این زمان تا زمان شاه‌عباس در موضع دفاعی قرار گرفت، و نیز یکی از شروط ثابت قراردادهای نظامی میان دو کشور که بعد از این در اغلب آن‌ها شاهد آن هستیم، منعقد شد و آن این بود که سلیم شرط پذیرفتن صلح را خودداری شاه‌اسماعیل از تبلیغ شیعه و جلوگیری از طعن و لعن خلفا قرار می‌دهد. علاوه بر این که خود شاه نیز خواهان کاستن از سخت‌گیری‌ها اولیه برای تغییر مذهب مردم شده به حکام ولایات دستور داد که خلق‌الله را برای تغییر مذهب نرنجانند (فلسفی، ۱۳۴۲: ۸۱).

سلیم از نبرد خود با شاه اسماعیل چند هدف را دنبال می‌کرد. از بین بردن حکومت شیعی صفوی، برقراری ارتباط بین کانون‌های تسنن خراسان و عثمانی، فتح قلمروهای مملوک مصر، به دست آوردن راه‌های تجاری (Şener, 1989:78) و سرکوب قیام‌های علویان که این خواست او هرگز عملی نشد.

۱- معاهده صلح آماسیه و صدور اجازه به حجاج ایرانی برای زیارت عتبات عالیات

پس از مرگ اسماعیل، شاه تهماسب به حکومت رسید. در زمان او با آمدن علمای شیعه از مرز جبل عامل پایگاه تشیع سیاسی‌تر گردید به‌خصوص بعد از تصرف قلمرو ممالیک به‌وسیله عثمانی که عرصه را برای علما شیعه تنگ نمود در عثمانی نیز با مرگ سلطان سلیم اول پسرش سلیمان در سال ۹۲۶ق/ ۱۵۲۰م قدرت را در دست گرفت (روملو، ۱۳۵۷: ۱۱۷). سلیمان چهار بار به ایران لشکر کشید اما هر بار شاه تهماسب با استفاده از سیاست زمین‌های سوخته از درگیری مستقیم با او اجتناب می‌کرد تا این‌که پس از دور چهارم این لشکرکشی‌ها ۹۶۰ق/ ۱۵۵۳م شاه تهماسب در نامه‌ای ضمن پیشنهاد مصالحه، از سلیمان درخواست کرد تا به زائران ایرانی اجازه زیارت عتبات و اماکن مقدسه داده شود. (فریدون بیگ، ۱۲۷۴: ۶۲۳-۶۲۱) سلیمان در پاسخ نامه تهماسب با این درخواست، مشروط بر عدم خلف وعده ایرانیان موافقت کرده دستورات لازم را برای حراست از زائران ایرانی عتبات صادر کرد (فریدون بیگ، ۱۲۷۴: ۵۴-۵۲). البته در منابع اولیه صفوی هیچ‌کجا اشاره‌ای به‌طور مستقیم به نگارش و امضای صلح‌نامه به روال معمول آن دوره نشده است. در واقع نامه ترکی که سلیمان همراه فرخزاد، سفیر شاه تهماسب، برای او فرستاد اصلی‌ترین سند صلح آماسیه است (kiliç, 2001: 74).

به‌موجب این قرارداد مقرر شد: عثمانی‌ها با پیروان مذهب تشیع با مدارا و احترام رفتار کرده «رفت‌وآمد حجاج [زوار] آسان شود» (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۲۹) و از زائران ایرانی که عازم مکه و مدینه‌اند، حمایت کنند و این‌که حاجیان شیعه به هنگام اعزام به حج اجازه زیارت کربلا، نجف و نیز رفتن به بغداد را خواهند داشت (ASRAR, 1972: 153). ایرانی‌ها نیز می‌بایست از لعن خلفای سه‌گانه خودداری کنند. بعد از این مکاتبات لحن

دوستانه پیدا می‌کند شاه‌تیماسب در یکی از نامه‌های خود سلیمان را «خادم‌الحرمین الشریفین» خطاب کرده از او برای آزادی و امنیت ایجادشده برای حجاج و زوار ایرانی تشکر می‌کند (فریدون بیگ، ۱۳۷۴: ۱۴؛ 1: 1993). Kütukoğlu). هردو پادشاه تمام اهتمام خود را برای حفظ صلح بکار می‌بردند چنانچه وقتی شاه ایران هیئت‌تی را برای اعتراض به رفتارهای امیر عمر، گماشته عثمانی در عراق عرب، که موانعی جدی را برای کاروان‌های حجاج و زوار ایرانی ایجاد می‌کرد فرستاد، سلطان عثمانی با خوش‌رویی با این هیئت برخورد کرده قول رسیدگی به موضوع را می‌دهد.

سلیمان بعد از به تخت نشستن سیاست پدر را تعقیب نکرد او ششصد خانواده و اسیر را از بند رهاوند. ممنوعیت تجارت را از میان برداشته تجار زندانی زمان پدر را آزاد کرد و اموال آن‌ها را پس داد. در ضمن این که ممنوعیت صدور فلزات را ملغی اعلام کرد. وی فکر خود را از شرق راحت نموده موجودیت صفوی را پذیرفت (Kiliç, 2001: 28).

۲- معاهده صلح اول استانبول و تعهد دولت ایران بر عدم سب خلفای سه‌گانه

شاه عباس (۱۵۸۷م) در ابتدای سلطنت تحت تأثیر ضعف صفویان که بر اثر شورش‌های داخلی، تجاوز ازبکان از شرق- که خراسان، هرات و سیستان را تصرف کرده بودند- و تاخت‌وتاز عثمانی‌ها در تمامی مرزهای مشترک با صفویان و اشغال سرزمین‌های وسیعی از ایران، به‌ناچار در سال (۱۵۹۰م) تن به امضاء معاهده اول استانبول داد دو طرف به شرافت خود سوگند خوردند که مفاد آن را به‌طور کامل رعایت کنند (بیات، ۱۳۶۹: ۲۴۸). از آنجا که هنگام امضاء این قرارداد ایرانی‌ها در موضع ضعف قرار داشتند ملزم به خودداری از لعن خلفا و ام‌المؤمنین عایشه شدند در حالی که عثمانی‌ها هیچ تعهدی در قبال تأمین حقوق زوار ایرانی بر عهده نگرفتند. «...موقوف داشتن شتم و لعن و قذف (تهمت افترا) و طعن اصحاب گزین و ائمه مجتهدین (رض) و ام‌المؤمنین حلیله جلیله سیدالمرسلین، صدیقۀ مبری التی نزلت فی عصمتها آیات البراء من السماء (رض)...» (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

۳- معاهده صلح دوم استانبول و تعیین مسیر تردد زوار عتبات عالیات

دوازده سال جنگ‌های خونین رخ داد تا این‌که بالاخره صلح استانبول در سال ۹۹۸ق/ ۱۵۹۰م به دوستی مبدل شد. شاه‌عباس پس از برقراری حاکمیت مطلق و شکست ازبکان در شرق، قدرت مرکزی را تقویت نموده، سپس برای ساختن ارتشی مجهز به سلاح‌های روز از برادران شرلی بهره جست.

شاه‌عباس با استفاده از شورش‌های جلالی‌ها در آناتولی، درصد بازپس‌گیری قلمروهای از دست‌داده خود در معاهده اول استانبول برآمد لذا حملات خود را به عثمانی‌ها آغاز نمود. نبرد طولانی عثمانی با اتریش در غرب و صفویه در شرق و به حکومت رسیدن شاه جوان و بی‌تجربه سلطان احمد اول (۱۰۲۶- ۱۰۱۲ ق/ ۱۶۱۷- ۱۶۰۳ م)، منجر به پیروزی او در جنگ‌ها و انعقاد معاهده دوم استانبول بر اساس مفاد صلح آماسیه در سال ۱۰۲۲ق/ ۱۶۱۳م شد (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۲۹؛ Kiliç, 2001: 199). او پس از این پیروزی‌ها پیکی برای درخواست صلح، مشروط به قبول پایبندی عثمانی‌ها به صلح آماسیه را روانه دربار عثمانی کرد. سلطان احمد شرایط پیشنهادی شاه‌عباس را پذیرفت که نتیجه‌اش انعقاد صلح دوم استانبول بود. مطابق این قرارداد:

۱- دولت ایران پذیرفت جلوی دشنام و لعن و نفرین خلفای سه‌گانه و ام‌المؤمنین عایشه را بگیرد. «...مظاهر رضوان رب‌العالمین حامیان حمای دین راویان احادیث خاتم‌النبین و اولاد اصحاب گزین و ائمه مجتهدین رضوان‌الله علیهم اجمعین و ام‌المؤمنین حلیله جلیله سید المرسلین... حقلرنده شتم و لعن و قذف و طعن اولنمویب...» (فریدون‌بیگ، ۱۲۷۵: ۱۶۸)

۲- دولت ایران از بدرفتاری با سنیان قلمروش خودداری کند.

۳- حاجیان [زوار] ایرانی از راه حلب و دمشق به مدینه و مکه مشرف بشوند، نه از راه بغداد و بصره که توسط اعراب بادیه‌نشین همیشه ناامن بود.

۴- معاهده صلح ایروان و تعهد عثمانی‌ها بر تأمین امنیت زوار عتبات

پیمان دوم استانبول سه سال بیشتر دوام نیاورد با حمله «اکوزمحمد» به ایران، این صلح شکسته شد. اکوزمحمد از محاصره ۴۴ روزه قلعه روان طرفی نبست. اشغال موقت تبریز نیز بی‌فایده بود. اتحاد عثمان‌خان با گرجی‌ها و حمله‌شان به گرجستان نیز هرچند در ابتدا قرین موفقیت شد، اما این موفقیت دوام چندانی نیافت لذا به‌ناچار عثمان‌خان درخواست صلح کرد: «... چون سردار از قلعه‌گیری مایوس گشته گفتگوی صلح به میان آورد» (ترکمان، ۱۳۸۲: ۹۰۸). نتیجه مذاکرات انعقاد صلح ایروان ۱۰۲۷ق/۱۶۱۸م بود: «امر مصالحه فی‌مابین برین نهج قرار یافت که قاعده زمان پادشاهان جنت‌آشیاں شاه‌تهماسب... و سلطان سلیمان... مرعی بوده باشد» (ترکمان، ۱۳۸۲: ۹۴۸ و ۹۴۹). باید توجه داشته باشیم که با توجه به ابقاء صلح آماسیه، در واقع به‌طور غیرمستقیم در این قرارداد نیز مسئله تأمین امنیت زوار عتبات عالیات در نظر گرفته شده است.

۵- معاهده صلح ذهاب و جدایی عتبات عالیات از ایران

با مرگ شاه‌عباس و به قدرت رسیدن صفی‌میرزا ۱۰۳۷ق/۱۶۲۸م معادلات قدرت بین دو مملکت به نفع عثمانی‌ها تغییر کرده، مراد چهارم سپاهی را در سال ۱۰۴۸ق/۱۶۳۸م روانه ایران کرد. ادامه ماجرا به روایت *روضه‌الصفاء*: «در عرض چهل روز، قلعه بغداد مفتوح شد و به غارت رفت... و سروسامان ضریح مبارکه امامین کاظمین به دست عدوان سپاه رومیه به غارت و نهب رسید و کمال جسارت و خلاف ادب از سلطان مراد نامراد بداعتقاد نسبت به مضجع اولاد رسول جسارت شد» (هدایت، ۱۳۸۲: ۶۸۹۹). شاه‌صفی به‌ناچار درخواست صلح کرد. مراد چهارم در نامه‌ای شرط موافقت با صلح را منع «زبان‌درازی» در حق شیخین دانست. در *تاریخ منتظم ناصری* شرط سلطان عثمانی چنین نقل شده است: «... بعضی از اسافل و ادانی که در تحت حکومت شما واقع‌اند به شیخین ذوالنورین و زوجه مطهره رسول‌الثقلین و سایر اصحاب گزین و ائمه مجتهدین... رخصت زبان‌درازی نیافته، ممنوع باشد و دیگرباره به این معنی مأذون نباشد تا این که صلح مقرر الی انتهاء ثابت و برقرار بماند...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۹۴۳). شاه‌صفی با شروط عثمانی‌ها موافقت کرد که نتیجه آن معاهده ذهاب (۱۰۴۹ق/۱۶۳۹م) بود. در این معاهده نیز چون ایران در موضع

ضعف قرار داشت هیچ اشاره‌ای به تأمین حقوق زوار ایرانی نشده است، درحالی‌که به تأکید، ایرانی‌ها از سب و لعن خلفا منع شده‌اند با این‌که این دو بند معمولاً در قراردادها باهم آورده می‌شدند.

با این پیمان بغداد و به تبع آن بصره و بین‌النهرین و عتبات عالیات، از ایران جدا شدند و مشکلات رفت‌وآمد زوار ایرانی شدیدتر شد. این صلح حدود ۹۰ سال تا زمان شاه‌تهماسب دوم که افغان‌ها بر ایران حاکم شدند ادامه پیدا کرد. علت تداوم بلندمدت این صلح را می‌توان تأمین نظر عثمانی‌ها در به دست آوردن تمام آنچه در زمان شاه‌عباس در معاهده دوم استانبول از دست داده بودند دانست، به‌خصوص این‌که آن‌ها توانستند برای همیشه عراق را در اختیار خود بگیرند. این نکته زمانی جالب‌توجه به نظر می‌رسد که بدانیم عامل بیشتر جنگ‌های میان دو کشور زیاده‌خواهی عثمانی‌ها بود و اغلب، آن‌ها آغازکننده درگیری‌ها بودند. عثمانی در سال ۱۱۳۰ق/۱۷۱۸م با شکست از اتریش و محروم شدن از غنائم جنگی و برای جبران شکست‌های غرب، مجدداً متوجه شرق شد (Aktepe, 1970: 753 & 765-3, Solak- Zade, 1298).

در سال‌های آخر سلطنت شاه سلطان حسین شورش افغان‌ها بزرگ‌ترین معضل حکومت وی بود. سرانجام محمود افغان بعد از شش ماه محاصره اصفهان شاه سلطان حسین را (۱۱۸۶ق/۱۷۲۲م) وادار کرد با دستان خود تاج شاهی را بر سر او نهاده از سلطنت کناره‌گیری کند (مستوفی، ۱۳۵۷: ۱۳۲). شاه‌تهماسب برای مقابله با افغان‌ها به جمع‌آوری سپاه روی آورد. افشارها به سرکردگی نادرقلی‌خان او را یاری کردند. در جنگ‌هایی که میان این دو درگرفت نادرقلی‌خان موفق شد اشرف افغان را شکست داده، شر افغان‌ها را از سر ایران کوتاه کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۰۵-۹۱).

نادر در سال ۱۷۳۱م/۱۱۴۳ق به عثمانی حمله کرده تبریز را تصرف کرد سپس خواسته‌های خود که مبتنی بر موارد زیر بود را به عثمانی‌های اعلام کرد: اول این‌که عثمانی‌ها مذهب جعفری را به‌عنوان مذهب پنجم تصدیق کنند. دوم این‌که هر سال امیرالحاج ایران همانند امیرالحاج‌های مصر و شام با احترام کعبه را زیارت کند. سوم این‌که عثمانی به امیرالحاج ایرانی بعد از مصر و شام اعتبار خواهد داد. همچنین آزادی اسرا، منع

فروش عالمان، تأسیس کنسولگری در مرکز شهرها برای رسیدگی به کار اتباع از مفاد دیگر این پیشنهادها بود. سرانجام با کش‌وقوس‌های فراوان با درخواست‌هایش موافقت شد. ولی به علت عدم قبول مذهب جعفری از طرف علمای عثمانی این قرارداد به تأیید باب عالی نرسید. لذا نادر دوباره حمله خود را به عثمانی آغاز کرد ولی پس از برخوردهای متعدد با مواجه شدن با مشکلات داخلی پیک صلحی به استانبول فرستاده با حذف قبول مذهب جعفری معاهده صلحی به امضا رسید.

در حالی که نادر مشغول سرکوبی افغانان ابدالی در خراسان بود «شاه‌طهماسب را نیز سرپنجه شوق انتزاع و ارتجاع قلعه ایروان گریبان‌گیر، و داعیه مملکت‌ستانی مکنون ضمیر گشته به تقلید جناب نادری... کمر اجتهاد بر میان بستند... در ماه جمادی‌الآخر سنه هزار و صد و چهل و سه در موکب شاهی از اصفهان رایت نهضت به جانب مقصد افراختند» (استرآبادی، ۱۲۸۰ق، ۷۳۵). شاه‌طهماسب در این جنگ شکست خورده تن به مصالحه داد ولی نادر از تأیید آن خودداری کرد. «چون این مصالحه در حقیقت «عز من السراب» بل‌پل آن طرف آب بود، در پیشگاه نادری جلوه ارتضا نیافته و حوصله غیرت قبول آن را برنتافته...» (استرآبادی، ۱۲۸۰ق: ۷۳۵-۷۳۶).

نادر بعد از مدتی تهماسب را که با سوءاستفاده از غیبت او به جنگ با عثمانی‌ها پرداخته و شکست سختی خورده بود را عزل کرد. «چون شاه‌والاجاه بعد از آن که مغلوب رومیه گردید... او را در اصفهان گوشه‌نشین ساخته شاهزاده حسینی نسب عباس‌میرزای ولد او را که در مهد ارضاع و مهاده صبی بود... جالس چهاربالش سلطنت نمود» (نک: استرآبادی، ۱۲۸۰ق: ۷۳۵-۷۳۶) سپس برای بیرون راندن عثمانی‌ها در سال ۱۱۴۵ق به آن‌ها حمله کرد ابتدا شکست خورد اما در ۱۷۳۳ م/ ۱۱۴۶ق در نزدیکی کرکوک عثمانی‌ها را شکست سختی داده توپال‌پاشا «و بیست هزار تن از جیوش عثمانی» را در میدان جنگ به قتل رساند. «سرعسگر [توپال‌پاشا]... چون از فرار سربازان ممش‌پاشا آگاه شد از تخت روان به زیر آمد و با سپاهیان خود بگریخت. لیکن الله‌یارنام، از ایل گرایلی به او رسید و او را از اسب به زیر آورد و سرش را برید و بر نیزه کرد» (استرآبادی، ۱۲۸۰ق: ۷۳۸).

۶- عهدنامه کرکوک و توافق بر عدم دریافت وجوهات اضافی از زائران عتبات

در جلسه‌ای توسط عثمانی‌ها مفتی و سلطان تصمیم گرفتند به هر قیمتی شده صلح کنند زیرا معتقد بودند ادامه جنگ موجب ویرانی امپراتور خواهد شد (هنوی، ۱۳۴۶: ۱۲۵). پس از آن حاکم بغداد «احمدپاشا در باب معذرت درآمده متکفل تفویض ولایات متنازع فیها گشته...» (استرآبادی، ۱۲۸۰ق: ۱۳۶) تن به مصالحه بغداد (کرکوک) داد. هر دو طرف به مذهب یکدیگر احترام بگذارند و از کاربرد هرگونه اقدام یا کلامی که موجب توهین به مذهب دیگری است خودداری کنند و از حکام مرزی عثمانی نیز خواسته شد امنیت و آزادی لازم برای انجام مناسک زوار ایرانی را فراهم کنند. یکی دیگر از بندهای این قرارداد به منع دریافت وجوهات اضافی و غیرقانونی توسط حکام مرزی که در شهرهای مسیر عتبات قرار داشتند پرداخته، عثمانی‌ها را موظف می‌کند که از زواری که صرفاً قصد زیارت داشته و کالای تجاری همراه ندارند هیچ‌گونه مبلغ اضافه‌ای دریافت نشود. در پایان ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که مهم‌ترین ویژگی این قرارداد در این است که بالاخره بعد از ۲۶۰ سال عثمانی‌ها رسماً پذیرفتند که شیعیان ایرانی نیز مسلمان هستند نه کافر (استرآبادی، ۱۱۸۰: ۱۳۱؛ بی‌نا، ۱۳۲۴: ۲۷؛ پارسادوست ۱۳۶۹: ۱۴۳).

۷- چشم‌پوشی نادر از خواسته خود مبنی بر پس گرفتن کربلا و نجف در صلح کردن

اما پاشاهای روم تن به این صلح نمی‌دهند لذا باب عالی عبدالله‌پاشا کوپرلی‌زاده والی مصر را با اختیارات کامل راهی مرزهای ایران می‌کند در جنگی که در سال ۱۱۴۸ق/۱۷۳۵م روی می‌دهد نادر پیروز شده داغستان را پس می‌گیرد و عبدالله‌پاشا در جنگ کشته می‌شود. «عبدالله‌پاشا با اتباع و اشیاع... مدرّب کشته مقتول و حبل حیاتشان مقطوع و مفظول گردید» (استرآبادی، ۱۲۸۰ق: ۱۴۸). عثمانی‌ها به‌ناچار تن به مصالحه می‌دهند که مطابق آن، حاجیان ایرانی که از راه بغداد - شام به کعبه می‌روند امنیت جانی و مالی آن‌ها تأمین خواهد گردید. ترک تبری از طرف ایرانیان، منع شدن از حرکت‌های منفی بر علیه تسنن، عدم دریافت خراج اضافی از ایرانیانی که به بغداد یا به زیارتگاه‌های دیگر می‌روند و نیز از

تجار مانند سابق حقوق گمرکی دریافت می‌شود. برای امضای معاهده درحالی‌که ایلچیان عثمانی در همدان و ایرانی در بغداد بودند نادر به قتل رسید ولی معاهده عملی گردید (استرآبادی، ۱۱۸۰: ۲۴۷؛ آصف (رستم‌الحکما)، ۱۳۸۰: ۱۹۸؛ هنوی، ۱۳۴۶: ۱۶۷-۱۶۵).

نادر که در جنگ مرادتیپه شرط مصالحه را در نامه‌ای که به سلطان عثمانی نوشت واگذاری بصره، بغداد، کربلا و نجف قرار داده بود در این نامه‌اش دیگر از اصرار بر خواسته‌های مذهبی قبلی خود استنکاف کرد. وقتی هم که پای میز مذاکره قرار گرفت از دیگر خواسته‌های خود یعنی گرفتن کربلا و نجف چشم پوشید شاید دیگر خود نادر هم از جنگ‌های طولانی مدت و پی‌درپی خسته شده بود و می‌خواست با صلح با عثمانی‌ها کمی به آرامش برسد و روح فرسوده خود را التیام بدهد (شعبانی، ۱۳۷۷: ۶۲).

اگر درگیری‌های کوچک نادر با عثمانی‌ها را نادیده بگیریم در کل نادر دو بار، یکی در مقابل توپال‌پاشا و دیگری در مقابل محمدپاشا، به جنگ گسترده و تمام‌عیار با عثمانی پرداخته است و با این‌که در هر دو جنگ پیروزی با سپاهیان ایران بود اما او در طول این درگیری‌ها به خوبی واقف شد که علی‌رغم میلش باید این واقعیت را بپذیرد که عثمانی‌ها به عنوان خادمین حرمین شریفین هنوز رقبای قدرتمندی برای او هستند و با تمام ضعف‌ها و مشکلات داخلی و خارجی که دارند تسلط قطعی بر آن‌ها و تصاحب عتبات امری ساده نیست لذا سعی کرد با تعدیل تندروی‌های سنی‌ستیزانه شیعیان به خصوص در مورد سب و لعن خلفا راشدین و نیز چشم‌پوشی از مطالبات خود در مورد کربلا و نجف کمی آرامش را به مرزهای غربی برگرداند که ماحصلش دو پیمان صلح کرکوک و کردان بود.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه صفویان از عتبات عالیات و اماکن مقدس برای توسعه شیعه‌گری و نفوذ بیشتر خود در قلمرو عثمانی استفاده می‌کردند، لذا این مناطق نقش بسیار مهمی در ایجاد درگیری‌های متعدد نظامی میان دو کشور داشت؛ بنابراین یکی از اهداف مهم استراتژیک دو کشور در راستای بسط نفوذ و در صورت امکان تصاحب این مناطق و اماکن مقدس شیعی قرار داشت. این جنگ‌ها اغلب، از جانب عثمانی‌ها ظاهراً به بهانه تیرای شیعیان نسبت به خلفا آغاز می‌شد. این کشمکش‌ها گاهی با جنگ و در مواردی صرفاً با مذاکره میان طرفین

در قالب مصالحه‌نامه‌ها حل‌وفصل می‌شد. در این هفت معاهده‌ای که مورد بررسی قرار گرفت، مسئلهٔ ایجاد امنیت عبور و مرور برای زوار ایرانی عتبات عالیات، حفظ حرمت آن‌ها و نیز خودداری مأموران مرزی از اخذ مالیات‌های غیرقانونی، از اجزاء جدایی‌ناپذیر و الزام‌آور معاهدات بوده است. البته عثمانی‌ها نیز متقابلاً خواهان خودداری شیعیان ایران از لعن و نفرین نسبت به خلفای سه‌گانه و عایشه همسر پیامبر بوده‌اند.



منابع

- 0 آصف، محمدهاشم (رستم الحکما) (۱۳۸۰)، *رستم‌التواریخ، حوادث ایام سلطنت شاه سلطان حسین صفوی تا پادشاهی فتح‌علی‌شاه قاجار*، تهران، انتشارات فردوسی.
- 0 استرآبادی، میرزا مهدی‌خان (۱۳۷۷)، *جهانگشای نادری*، به کوشش عبدالله انوار، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- 0 _____ (۱۱۸۰)، *جهانگشای نادری*، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، منبع ۶-۲۰۳۹۹، شماره ثبت ۱۱۷۵۱۳۷.
- 0 اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۳)، *تاریخ منتظم ناصری*، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.
- 0 افندی، خواجه سعدالدین (۱۲۸۰)، *سلیم‌نامه*، استانبول.
- 0 امامی، محمدتقی (۱۳۹۵)، *ترکان اسلام علوی‌گری بکناشی‌گری در آناتولی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- 0 امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳)، *تاریخ فتوحات شاهی (تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ق)*، تصحیح، تعلیق، توضیح و اضافات از دکتر محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- 0 بی‌نا (۱۳۸۴)، *عالم‌آرای شاه‌اسماعیل*، مقدمه، تصحیح و تعلیق اصغر منتظر صاحب، تهران، علمی و فرهنگی.
- 0 بی‌نا (۱۳۲۴)، *نادرشاه*، تهران، انتشارات پرچم.
- 0 بدلیسی، ادریس بن حسام‌الدین (۱۹۹۵)، *سلیم‌شاهنامه*، به اهتمام حجابی قیر لانقیج (رساله دکترا) آنکارا، دانشگاه آنکارا، انستیتوی علوم اجتماعی.
- 0 بیات، اوروج‌بیگ (۱۳۶۹)، *دون ژوان ایرانی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ اول، تهران، بنگاه نشر و ترجمه.
- 0 پجوی، ابراهیم افندی (۱۲۸۳)، *تاریخ پجوی*، استانبول، بی‌نا.

- 0 ترکمان، اسکندریگ (۱۳۸۲)، *عالم‌آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، ج ۲، تهران، امیرکبیر.
- 0 _____ (۱۳۷۷)، *عالم‌آرای عباسی*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.
- 0 هنوی، جونس (۱۳۴۶)، *زندگی نادرشاه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- 0 حسینی استرآبادی، سید حسن ابن مرتضی (۱۳۶۴)، *از شیخ صفی تا شاه صفی*، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی.
- 0 خواجه اصفهانی، محمدمعصوم (۱۳۶۸)، *خلاصه‌السییر تاریخ روزگار شاه صفی*، به سعی ایرج افشار، تهران، علمی.
- 0 خواندمیر، خواجه همادالدین محمد (۱۳۶۲)، *حبیب‌السییر فی اخبار افراد بشر*، به تصحیح محمد دبیرسیاقی با مقدمه جلال همایی، تهران، چاپخانه سعدی.
- 0 _____ (۱۳۵۳)، *حبیب‌السییر فی اخبار افراد بشر*، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران، خیام.
- 0 روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷)، *احسن‌التواریخ*، تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران، فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- 0 _____ (۱۳۸۴)، *احسن‌التواریخ*، تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران، اساطیر.
- 0 شاملو، ولی قلی بن داود قلی (۱۳۷۱)، *قصص‌الخاقانی*، تصحیح و پاورقی سیدحسن سادات ناصری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 0 شعبانی، رضا (۱۳۷۷)، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه و زندیه*، تهران، سازمان سمت.
- 0 طاهری، ابوالقاسم (۱۳۵۷)، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس*، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- 0 فلسفی، نصرالله (۱۳۴۲)، *چند مقاله تاریخی و ادبی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- 0 فریدون بیگ، احمد (۱۲۷۵)، *منشآت السلاطین*، اسلامبول، بی‌نا، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۶۳۵۰۶.
- 0 فریدون بیگ، احمد (۱۲۷۴)، *منشآت السلاطین*، استانبول، مطبعه الاعامره، جلد‌های یک و دو.
- 0 قاضی احمد قمی، شرف‌الدین حسین (۱۳۵۹)، *خلاصه‌التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.
- 0 مستوفی، محمدحسن (۱۳۵۷)، *زبده‌التواریخ*، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، دانشگاه تهران.
- 0 مهدوی، عبدالرضا (هوشنگ) (۱۳۵۰)، *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران، انتشارات کتاب‌های سیم‌رغ.
- 0 نوایی، عبدالحسین (۱۳۵۷)، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- 0 واله قزوینی اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۸۲)، *شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم (۱۰۷۱-۱۰۳۸هـ ق)* (حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم) *خلد برین*، تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات محمد رضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- 0 هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۲)، *روضه‌الصفای ناصری*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر.
- 0 پارسادوست، منوچهر (۱۳۶۹)، *ریشه‌های اختلاف ایران و عراق*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- 0 عربخانی، رسول (۱۳۹۳)، *عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی قرن نوزدهم (با تأکید بر عصر عبدالحمید دوم)*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مقالات

- 0 امامی، محمدتقی، «قیام‌های علوی بکتاشی آناتولی (از تشکیل حکومت صفوی تا برقراری جمهوری در ترکیه)»، *فصلنامه علمی پژوهشی الزهراء*، شماره ۶۶، ۱۳۸۰.

رساله

0 مجربی، حسن (۱۳۹۶)، *مناسبات مرزی ایران و عثمانی با تکیه بر عهدنامه صلح آماسیه*، دانشگاه مذاهب اسلامی.

منابع ترکی

- 0 Aktepe, Munir, (1970), *Osmanli Iran munasebetleri*, Istanbul.
- 0 Asrar, Ahmet, (1972), *Kanuni devrinde*, Istanbul.
- 0 Kiliç, Remzi, (2001), *Osmanli-iran Siyasi Anlaşmaları*, Istanbul.
- 0 Kütukoğlu, Bedir, (1993), *Osmanli-Iran siyasi munsaehtleri*, Istanbul.
- 0 Öz, Gülagoz, (1999), *İslamiyet türkleri ve Alevilik*, Ankara.
- 0 Solak- Zade, *tarih*, Istanbul, 1298
- 0 Şener, cemal, (1989), *Alevilik olayi*, Istanbul.
- 0 Sertoğlu midehat, (1986), *Tarih lügati*, Istanbul.